

Review of Strategies Used in Translating the Taboos of the "Mokhtarnameh" TV Series

Mohadeseh Haddadi 

Master of Arabic Translation, Kashan University, Isfahan, Iran

Ali Najafi Ivaki* 

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kashan University, Isfahan, Iran

Mohsen Seifi 

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kashan University, Isfahan, Iran

Abstract


In all the languages of the world, some words and expressions indicate an unpleasant and impolite concept, which are called "linguistic taboos" or "rhetoric" and are generally avoided from their obvious and direct use. Examination of the "Mokhtarnameh" TV series indicates the use of a significant number of these taboos; In light of this, what is important for the authors of this article is to identify and extract the desired interpretations in the series in the first step, and in the next step, the authors identify techniques used in the translation of this series by a qualitative approach and descriptive-analytical method, evaluate the strengths and weaknesses of the translation by criticizing and examining the inputs of Persian taboos in the Arabic dubbing of the TV series, and present the result to the audience. The result indicates that the translation of the taboos used in the TV series under study can be defined, formatted, and recognized by the most important linguistic strategies in constructing euphemism, including semantic implication, semantic expansion, permissible, omission, reduction, duplication, contradiction, and literal or semantic translations. Another conclusion is that using the method of reduction and contradiction, respectively, has been the most frequent and least frequent strategies in translating the studied TV series.


Keywords: Taboo, Euphemism, "Mokhtarnameh" TV Series, Arabic Dubbing.


* Corresponding Author: najafi.ivaki@yahoo.com

How to Cite: Haddadi, M., Najafi Ivaki, A., Seifi, M. (2021). Review of Strategies Used in Translating the Taboos of the "Mokhtarnameh" TV Series. *Translation Researches in the Arabic Language & Literature*. 11(24). 217-241. doi: 10.22054/rctall.2021.61862.1571.

بررسی استراتژی‌های به کار گرفته شده در دوبله عربی تابوهای سریال مختارنامه

محدثه حدادی  کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران

علی نجفی ایوکی*  دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران

محسن سیفی  استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران

چکیده

در همه زبان‌های دنیا، واژگان و تعابیر دال بر مفهوم ناخوشایند و غیرمؤدبانانه وجود دارد که در اصطلاح به آن‌ها «تابوهای زبانی» یا «دش‌واژه‌ها» گفته می‌شود که عموماً از کاربست آشکار و مستقیم آن خودداری می‌شود. بررسی سریال مختارنامه، نشانگر کاربرد تعداد قابل توجهی از این تابوها است. در پرتو این مسأله آنچه برای نویسندگان این مقاله مهم بوده، آن است که در گام نخست به شناسایی و استخراج تعابیر موردنظر در سریال یادشده پردازند و در گام بعدی با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی از شگردهای به کارگرفته شده در ترجمه این دست تعابیر به زبان عربی پرده بردارد و با نقد و بررسی برابر تابوهای فارسی در دوبله عربی سریال به ارزیابی نقاط قوت و ضعف ترجمه پردازد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که ترجمه تابوهای به کار رفته در سریال مورد مطالعه با مهم‌ترین استراتژی‌های زبانی در ساخت حسن تعبیر از جمله استلزام معنایی، گسترش معنایی، مجاز، حذف، کم‌گفت، مضاعف‌سازی، تضاد یا تناقض و ترجمه تحت‌اللفظی یا معنایی، قابل تعریف، قالب‌بندی و بازشناسایی هستند. همچنین بهره‌گیری از شیوه کم‌گفت و تضاد به ترتیب، پربسامدترین و کم‌بسامدترین استراتژی در ترجمه سریال مورد مطالعه بوده است.

کلیدواژه‌ها: دوبله، تابو، سریال مختارنامه، حسن تعبیر.

مقدمه

در بسیاری از جوامع، برخی از رفتارهای کلامی و غیر کلامی، ممنوع و قدغن شمرده شده که اصطلاحاً به آن‌ها «تابو»^۱ یا «دش‌واژه» می‌گویند؛ بنابراین، کاربران زبان برای ایجاد روابط کلامی هنجار در جامعه - به جای بهره‌گیری از واژه‌های ناخوشایند - از واژه‌های جایگزین، شگردها و استراتژی‌هایی بهره می‌گیرند که ضمن انتقال مفهوم مورد نظر از کاربر صریح آن دش‌واژه پرهیز شود. بر این مجموعه از شگردهای مورد استفاده می‌توان «حسن تعبیر» نام نهاد. به باور پژوهشگران، «حسن تعبیر از جمله ابزارهای زبانی قدرتمندی هستند که به طور گسترده در زبان‌های مختلف وجود دارد» (موسوی، ۱۳۹۱) و کاربرد آن برای انگیزه‌هایی همچون اخلاقی، روانی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی است (نوروزی، ۱۳۸۹). ترجمهٔ تابوها از زبان مبدأ به زمان مقصد، یکی از چالش‌های پیش‌روی مترجمان است و در فیلم‌های تاریخی بیشتر رخ می‌نماید که یکی از دلایل آن می‌تواند منسوخ شدن برخی از اصطلاحات و کلمات باشد. وظیفهٔ مترجم در این شرایط ضمن حفظ و انتقال میزان توهین در محتوای زبان مبدأ به زبان مقصد، حفظ امانت‌داری در فرآیند ترجمه است. بنابراین، نقش مترجم در اینجا به‌عنوان ناقل فرهنگ زبان مبدأ به زبان مقصد، اهمیت بسزایی دارد. بر این اساس، واکاوی و تحلیل نحوهٔ عملکرد مترجم یا گروه مترجمان در ترجمهٔ یک متن یا دوبلهٔ فیلم از زبان مبدأ به زبان مقصد و توجه یا عدم توجه به آن موضوع از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و این امکان را فراهم می‌کند تا ضمن شناخت بهتر نسبت به اثر ارائه شده از احتمال تکرار اشتباه‌های پیشین جلوگیری کند و موجب شود تا مترجم با آگاهی بیشتر به سراغ برگردان یک متن یا فیلم برود.

۱. بیان مسأله

تابوهای زبانی از جمله مسائلی است که در برگردان اثر، مترجم را به چالش می‌کشاند. یک مترجم در ترجمهٔ آثار تابوشکن باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا با خواست و سلیقهٔ عموم همسو شود. در چنین حالتی، بهترین ابزاری که می‌تواند به کمک وی بیاید، استفاده از شگرد «حسن تعبیر»^۲ است.

1- Taboo

2- Euphemism

«حسن تعبیر» بیانی است مجازی که از جهاتی به کنایه شباهت دارد و در مورد کلمات یا اصطلاحاتی به کار می‌رود که از نظر اجتماعی قابل پذیرش نیستند و همهٔ زبان‌ها این‌گونه اصطلاحات را به جای کلمات یا عبارات خاصی جایگزین می‌کنند خصوصاً در مقوله‌های جنسی، مرگ، ماوراء الطبیعه و... (ر.ک: کبیری، ۱۳۷۹). کاربرد واژه‌ای خوشایند به جای واژه‌ای که دارای معنای ضمنی ناخوشایند است را حسن تعبیر یا به‌گویی می‌گویند. به بیان ساده‌تر، واژه‌ای با معنای خوشایند که به جای واژه‌ای با معنای ناخوشایند به کار برود را «به‌واژه» می‌گویند. استفاده از اصطلاحاتی نظیر «سرویس بهداشتی» به جای «توالت» یا «فلان فلان شده» به جای «دشنام» یا «روشن دل» به جای «نابینا» نمونه‌هایی از این فرآیند زبانی هستند (جمشیدی‌نژاد، ۱۳۹۸).

حسن تعبیر به معنای خوب سخن گفتن است و در اصطلاح بدیع، استفاده از واژگان و عبارت خوش‌آهنگ، خوشایند و مؤدبانه، ملایم و غیرمحاوره‌ای به جای کلمات و اصطلاحات ثقیل، ناخوشایند، بی‌پرده، سخیف و کریه، خشن، گستاخانه و محاوره‌ای است (نوروزی، ۱۳۸۹). «به‌گویی» نوعی فرآیند زبانی است که در آن عبارات و واژه‌های ناخوشایند، توهین‌آمیز یا دشوار، جای خود را به جملات و کلماتی می‌دهند که بار معنایی منفی کمتری دارند. برخی حسن تعبیرها به منظور سرگرمی و برخی دیگر برای مثبت جلوه دادن یک رویداد منفی استفاده می‌شود.

به‌گویی، ابزار گفتمانی قدرتمندی است که برای تقویت و افزایش نزاکت اجتماعی و حفظ خودانگارهٔ اجتماعی طرفین گفت‌وگو به کار می‌رود و سازگاری روابط بین‌فردی را آسان می‌کند. بیشتر واژه‌های به‌گویانه در زبان فارسی در حوزهٔ مسائل مربوط به مرگ، مسائل جنسی، مواد زاید بدن، تبلیغات، ناتوانایی‌های جسمی، اعضای بدن، بیماری‌های روانی، مواد مخدر، ناسزاها و تجارت به کار می‌روند.

ابزارهای زبانی به کار رفته در ساخت به‌گویی‌ها در زبان فارسی عبارت‌اند از: تکرار شونده‌گی، حذف، وام‌گیری واژگانی، استلزام معنایی، استعاره، مجاز، تضاد معنایی، کم‌گفت، مبالغه، اطناب، ردّ خُلف، واژه‌های مبهم، گسترش معنایی و عبارات اشاره‌ای است (موسوی، ۱۳۹۱). این شگرد به عنوان یک راهبرد کلامی در مطالعات مربوط به ممنوعیت‌های زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد سریال مختارنامه دوبله شده به عربی از جهت استفاده از راهکارهای حسن تعبیر در ترجمهٔ تابوهای این سریال، شاخص و چشمگیر است. این سریال که هم از جنبهٔ تاریخی و هم از جهت دینی پر اهمیت است با وجود اینکه عمدتاً فضای عربی دارد و قهرمانان آن هم شخصیت‌های عربی هستند به نوعی با فرهنگ و مذهب ما ایرانیان سخت گره خورده است و جایگاه ویژه‌ای بین ما دارد. این مجموعه تلویزیونی که در قیاس با سایر سریال‌های مشابه تاریخی - دینی از استقبال گسترده‌ای در دو جامعهٔ عربی و ایرانی برخوردار شده است با نام «مسلسل المختار الثقفی» به عربی برگردان شده و توسط شبکهٔ «آی فیلم» پخش شده است که بنا به گواهی این شبکه با استقبال بسیار گسترده‌ای در تمامی کشورهای عربی و اسلامی روبه‌رو بوده است.

با توجه به اهمیت مسأله، نگارندگان این مقاله می‌کوشند تا به شناسایی و استخراج تابوهای موجود در متن فارسی مختارنامه - که بیشتر در بُعد الفاظ و واژه‌های رکیک و ناشایست است - به نحوهٔ ترجمه و ارزیابی آن پردازد تا ببیند که آیا مترجم یا گروه مترجمان در فرآیند برگردان برای عبارت متن فارسی، معادل مناسب عربی آورده‌اند یا اینکه به هر دلیل، صرفاً ترجمه‌اش کردند. آیا از لحاظ بافت و سیاق، معادل‌های عربی با بافت و فضای کلی متن اصلی همسو هستند یا خیر و ...

۲. روش پژوهش

این پژوهش با اتخاذ رویکرد کیفی و روش تحلیلی - توصیفی، پس از استخراج تابوها از سریال فارسی مختارنامه، جهت روشن‌سازی مراد گوینده از کاربرد تعبیر یا اصطلاح خاص موردنظر با استفاده از لغت‌نامه‌های معتبر به تشریح معنای لغوی و کنایی آن می‌پردازد. در مرحلهٔ بعدی، ترجمه ارائه شده را با اصل فارسی آن تطبیق داده و به هم‌سنجی، آسیب‌شناسی و بیان نقاط قوت و ضعف برابر نهاده‌ها اقدام می‌کند.

برای بررسی داده‌ها و دستیابی به نتیجهٔ مناسب از روش تحلیل محتوا استفاده شد؛ بنابراین، تمام واژگان، جمله‌ها و گفتارها، تحلیل و بررسی شد و براساس انواع تابوها و راهکارهای مناسب برای حسن تعبیرسازی تابوها، داده‌ها در جدول‌های مخصوص دسته‌بندی شده‌اند تا بستری مناسب برای بررسی موضوع و محتوای آن‌ها فراهم شود. برای عینی‌تر شدن تحلیل و

امکان بررسی سنجیده‌تر، بسامد داده‌های برگرفته از این سریال اندازه‌گیری و به کمک فنون آمارگیری توصیفی و استنباطی، نتایج پژوهش تفسیر شد.

۳. پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

دو پرسش اصلی که در این جستار در پی پاسخ به آن‌ها هستیم از قرار زیر است:
- کدام یک از استراتژی‌ها بیشترین و کمترین کاربرد را در برگردان تابوها داشته است؟
- از زاویه ترجمه تابوها، مهم‌ترین نقطه قوت و ضعف دوبله عربی سریال مورد مطالعه چیست؟

پژوهش حاضر بر پایه این فرضیات شکل گرفته است:
- به نظر می‌آید استراتژی تحت‌اللفظی و حذف به ترتیب عهده‌دار بیشترین و کمترین کارکرد در فرآیند برگردان بوده‌اند.
- چنین گمان می‌رود که شناخت مفاهیم تابوهای زبان مبدأ مهم‌ترین نقطه قوت مترجم و استفاده از استراتژی حذف، مهم‌ترین ضعف مترجم در فرآیند برگردان باشد.

۴. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های زیادی در رابطه با ترجمه تابو صورت پذیرفته است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

عبدی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود با عنوان «استراتژی‌های مترجم برای برخورد با تابوها در فیلم‌های دوبله شده از انگلیسی به فارسی» کوشیده ضمن شناسایی مشکل خلأهای واژگانی در ترجمه آثار ادبی، مشکلات پیش روی مترجمان را در برخورد با تابوها بررسی کند و راهکارهای مناسب برای آن‌ها ارائه دهد.

شریفی و دارچینیان (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن» به بررسی نمونه‌هایی از ترجمه‌های زبان‌های دیگر به زبان فارسی و مشکلاتی که مترجم فارسی‌زبان با آن مواجه است، پرداخته‌اند و این نتیجه حاصل شده که راهکارهای حذف، وام‌واژه و ابداع بیشترین راهکار در بین مترجمان بوده است.

نوروزی و عباس‌زاده (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «حسن تعبیر در زبان و ادبیات عربی، شیوه‌ها و انگیزه‌ها» به جایگاه مقوله حسن تعبیر در زبان‌شناسی و انگیزه‌ها و شیوه‌های ساخت آن پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که پژوهشگران عرب‌زبان کوشیده‌اند با طرح و پیگیری

موضوع حسن تعبیر، نگرش‌های نادرست به آن موضوع را اصلاح کنند. دیگر اینکه اصطلاحاتی چون التلطف، تحسین القبیح و الکنایة، برابر نهاده‌های حسن تعبیر در نزد عرب‌هاست.

قاضی‌زاده و مردانی (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی راهبردهای مترجمان در ترجمه تابوهای غربی در دوبله فیلم‌های انگلیسی زبان به فارسی» با بررسی توصیفی فیلم‌های انگلیسی دوبله شده به زبان فارسی راهبردهای مترجمان را در برخورد با تابوهای فرهنگی، مورد واکاوی قرار داده و چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که راهبرد جایگزینی، جبران، دستکاری و تعدیل از جمله راهبردهای مترجمان بوده است.

طالب‌نیا (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «راهبردهای ترجمه تابو در دوبله فیلم‌های پلیسی» ۱۰ فیلم سینمایی با ژانر پلیسی را از زاویه استراتژی ترجمه تابو مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسیده است که راهکار افزایش، حذف، تخفیف و جایگزینی بیشترین کارکرد را در مجال ترجمه تابو داشته است.

میرزایی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله «شگرد ساده‌سازی در تابوهای فرهنگی در برگردان‌های مرعشی‌پور از رمان‌های راه و کوچۀ مدق نجیب محفوظ» به شیوه‌های ساده‌سازی مرعشی‌پور در برخورد با تابوهای رمان نجیب محفوظ پرداخته و از مهم‌ترین راهکارهای آن را حذف، جایگزینی و کاهش برشمرده است.

یوسف‌آبادی و افضل‌ی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی تطبیقی طنز کلامی در دوبله عربی و فارسی انیمیشن زوتوپیا^۱ براساس مدل مگدالنا پانک^۲» کوشیده‌اند طنزهای کلامی انیمیشن یادشده را براساس مدل پانک مورد بررسی قرار دهند و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که راهکار تحت‌اللفظی در دوبله عربی و راهکار دگرگون‌سازی در دوبله فارسی پربسامدترین راهکار در ترجمه طنز مورد مطالعه بوده‌اند.

با توجه به پیشینه یاد شده علاوه بر اینکه دوبله عربی سریال‌های فارسی زبان مورد توجه قرار نگرفته است، اثری نیز یافت نشد که به شگردهای حسن تعبیر در برگردان‌های زبان فارسی به عربی پردازد. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که این پژوهش برای اولین بار به بررسی شگردهای حسن تعبیر در سریال فاخر و دینی مختارنامه دوبله شده به زبان عربی می‌پردازد

1- Zootopia

2- Magdalena Panek's

که نقش چشمگیری در ترویج فرهنگ فارسی دارد و گاه با فرهنگ عرب آمیخته شده است که خود اهمیت این پژوهش را دوچندان می‌کند.

۵. کاربرد شگرد حسن تعبیر در دوبلهٔ تابوهای مختارنامه

یکی از چالش‌های مهم مترجمان در تمامی جوامع در برخورد با تابو یا پرهیزه شکل می‌گیرد، چراکه برخی از مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ادبی، مذهبی، عوامل درونی (حیاء، ترس، سوء ظن و...)، عامل زبانی و لهجه‌ها، اصطلاحات یا واژه‌هایی وجود دارد که برای آن جامعه ناخوشایند، غیرمؤدبانه یا نامطلوب تلقی می‌شود (أبو زلال، ۲۰۰۱). در چنین موقعیتی، مترجم باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا در برخورد و برگردان کردن آن پرهیزه‌ها، بهترین عملکرد را داشته باشد و ضمن رعایت امانت‌داری، متن خود را با سلیقهٔ مخاطب خود همسو گرداند. در چنین حالتی استفاده از راهکارهای حسن تعبیر می‌تواند بهترین گزینه باشد تا با زیباسازی کلام، مفهوم نیز به درستی انتقال یابد. در پرتو اهمیت مسأله این پژوهش با تکیه بر مهم‌ترین استراتژی‌های زبانی در ساخت حسن تعبیر از جمله استلزام معنایی، گسترش معنایی، مجاز، حذف، کم‌گفت، مضاعف‌سازی، تضاد یا تناقض و ترجمه تحت‌اللفظی یا معنایی، عهده‌دار بررسی ۱۴۴ نمونه از جملات ۴۰ قسمت سریال مختارنامه است که دارای دش‌واژه‌ها و ناسزاواژه‌ها هستند که البته راهکارهای مورد استفاده در برخورد با آنها را به‌صورت جدول‌های جداگانه مورد بررسی قرار داده و شرح داده است.

۵-۱. استلزام معنایی^۱

«استلزام» در لغت یعنی به چیزی مشروط بودن، چیز دیگری را لازم داشتن و به چیز دیگر وابسته بودن است. به بیان ساده‌تر، مفهوم یک جمله، مستلزم مفهوم جملهٔ دیگری است؛ یعنی اگر جملهٔ الف به وقوع پیوسته باشد، جملهٔ ب نیز وقوع یافته است. به باور اصحاب نظر، این فرآیند یکی از برجسته‌ترین پدیده‌هایی است که زبان طبیعی را مشخص می‌کند؛ زیرا در اکثر مواقع طی فرآیند ارتباط، شاهد آن هستیم که چنانچه ارتباط جملات با سیاق در نظر گرفته شود، آن وقت به معنای ظاهری و اولیه آنها بسنده نمی‌شود و معنای جدیدی از آنها

1- Implication

برداشت می‌شود و این همان انتقال از معنای صریح به معنای غیر صریح و استلزامی است (أدراوی، ۲۰۱۱).

استلزام معنایی از جمله شگردهایی است که به مترجم این امکان را می‌دهد در عین حال که از بار معنایی منفی تابوها می‌کاهد، پیام را به مخاطب برساند. این استراتژی در ۲۲ مورد از دش‌واژه‌های مختارنامه به کار گرفته شده است. به عنوان نمونه کاربری استراتژی مورد نظر را در جملات ارائه شده در جدول (۱) می‌بینیم.

جدول ۱. کاربری استراتژی استلزام در ترجمه فیلم مختارنامه به عربی

| ارجاع | ترجمه | جمله فارسی |
|-------------|----------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------|
| قسمت ششم | لو دخلت الكوفة في أية هيئة غير هيئة الحسين لقطعني أهلها. | من با هر لباسی جز لباس حسین به کوفه می‌آمدم تکه بزرگم گوشم بود. |
| قسمت اول | لو كانت ميتة كلب بدلا من هذا الخنزير هل كنت ترغب فيها؟ | به جای لاشه این گراز، لاشه سگ بود باز هم هوس می‌کردی فیله‌اش را کوفت کنی؟ |
| قسمت دهم | تصرفت في قضية الحسين كالأحمق | سر قصه حسین هم، خر شدم. |
| قسمت سوم | اللهم إلا إذا كنت قد جنت! | باید مغز خر خورده باشی تا چنین خیال خامی به سرت بزندی. |
| قسمت سیزدهم | ياله من مخادع ابن زبير هذا وياله من أحمق هذا المختار | عجب حرام لقمه‌ایست ابن زبیر و عجب خری است مختار. |

در عبارت ارائه شده در جدول (۱)، عبارت‌های رکیکی همچون «کوفت کردن»، «خر شدن»، «مغز خر خوردن» و «حرام لقمه بودن» از جمله دش‌واژه‌هایی هستند که تندی و شدت بیشتری نسبت به عبارت «تکه بزرگ و گوش بودن» دارند و به اصطلاح از نزاهت در گفتار و تهذیب کلامی دورترند. از منظر استراتژی استلزام معنایی، عملکرد مترجم نسبتاً قابل قبول بوده است، چراکه کوشیده است با در نظر گرفتن سیاق کلی متن و القای هوشمندانه معنا از بار منفی و ناخوشایند متن نخستین بکاهد.

توضیح بیشتر اینکه مترجم در نمونه اول؛ یعنی «تکه بزرگم گوشم بود» هم حالت شرطی جمله را حفظ کرده است و هم با جایگزینی «لقطعني أهلها» رسمیت بیشتری به متن بخشیده و آن را از حالت عامه‌پسند بودن خارج ساخته است. ضمن اینکه با عبارت جایگزین مورد اشاره، بار دیگر به فاعل آن (اهل کوفه) توجه کرده است. در عبارت دوم؛ یعنی «هوس

کردن» و به‌ویژه «کوفت کردن» تا حد زیادی زننده و رکیک است که البته مترجم بی‌آنکه مفهوم متن را خدشه‌دار کند با عبارت «هل کنت ترغب فیها؟» نراهت را به متن برگردانده است.

در نمونه سوم، اقدام مترجم از دو منظر قابل ستایش است: نخست اینکه به جای واژه نسبتاً زشت و بی‌ادبانه «خر شدن» از تعبیر نسبتاً معمول «احمق» استفاده کرده که نازیبایی کمتری با خود دارد و دوم اینکه با این جایگزینی، پاسداشت و احترام بیشتری برای نام «حسین» قائل شده است و آن را از هم‌نشینی با منفی‌واژه دور ساخته است.

در نمونه چهارم، عبارت عامیانه و کوچه بازاری «مغز خر خوردن» که در شمار تابوست با عبارت «مگر اینکه دیوانه شده باشی = إلا إذا كنت قد جُننت!» جایگزین شده که هم‌القارگر «سبک مغزی» است و هم با «خیال خام داشتن» همخوانی دارد؛ بنابراین، مفهوم متن با رعایت ادب به صورت کامل به مخاطب عرب زبان القا می‌شود.

در نمونه پنجم، «حرام لقمه بودن» و «خر بودن» جزو تابو هستند که البته رکیک بودن عبارت نخست بیش از عبارت دوم است. مترجم با در نظر گرفتن فضای کلی متن سریال کوشیده مفهوم را به مخاطب انتقال دهد؛ هر چند که باید گفت «نیرنگ باز بودن = مخادع» با «حرام لقمه بودن» تا حد زیادی از لحاظ معنایی فاصله دارد و بهتر بود از تعبیر دیگری همچون «بغیض» استفاده شود.

۵-۲. گسترش معنایی^۱

گسترش معنایی در زبان‌شناسی شناختی یکی از رویکردهای جدید زبان‌شناسی محسوب می‌شود؛ شناخت‌گرایان معتقدند ساختار زبانی انعکاس مستقیم شناخت است که هر عبارت زبانی با شیوه‌ای خاص از مفهوم‌سازی با یک موقعیت خاص مرتبط است. همچنین از نظر آن‌ها میان تفکر، معنا و ساختار زبانی پیوندی تنگاتنگ وجود دارد (نقی‌زاده، ۱۳۹۰).

در زبان‌شناسی شناختی پنج عامل «استعاره، مجاز، تعمیم، تخصیص و طرح‌واره تصویری» به‌عنوان مهم‌ترین عوامل گسترش معنایی واحدهای زبانی شناخته می‌شوند (بهرامی، ۱۳۹۸).

گسترش معنایی از رایج‌ترین استراتژی‌هایی است که در برخورد با دش‌واژه‌ها کاربرد دارد؛ بدین شکل که با استفاده از آن در حالی که معنی یک واژه حفظ شده، معنی یا معانی دیگری نیز به آن افزوده می‌شود.

مجاز و استعاره دو فرآیند مهم در گسترش معنایی محسوب می‌شوند این دو راهکار معنای هسته را به معنای گسترش یافته بدل می‌کنند و روابط چند معنا شکل می‌گیرد (همان). بررسی‌ها نشان می‌دهد مترجم در فرآیند ترجمه، ۱۹ مرتبه از این استراتژی کمک گرفته است که تعدادی از آن‌ها در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. کاربرد استراتژی گسترش معنایی در ترجمه فیلم مختارنامه به عربی

| ارجاع | ترجمه | جمله فارسی |
|-----------|----------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------|
| قسمت اول | کم هو ملعون عمر هذا. | عجب پدر سوخته‌ایست عمر. |
| قسمت سوم | ألا لعنة الله علیّ. | خدا طالع را بسوزاند. |
| قسمت دوم | ناریه عزیزتی، أتوسّل إلیک، أنتِ تقدیرین علیّ ایقافه! | ناریه جان! دستم به دامت، تو می‌توانی مختار را رام کنی. |
| قسمت دهم | هذا الماجن متلون المزاج قد أفسد کل شیء. | مردکِ دمدی مزاج عیاش، گندش را درآورده. |
| قسمت هشتم | ألا تری أنك تثرثر کثیراً، أبها الغبی، ما کل هذا التهریح؟ | تو همیشه فکت انقدر می‌چند نره خر؟! چرا شیر و ور می‌بافی؟ |

در نمونه نخست، تعبیر «پدر سوخته» در زبان فارسی هم دشنام محسوب می‌شود و هم به شخص زیرک و موذی اطلاق می‌شود (نجفی، ۱۳۷۸) که در اینجا با توجه به بافت کلام، معنی دوم مدنظر است؛ یعنی مجازاً بر شخص بدجنس اطلاق شده است. جایگزینی واژه «ملعون» در پرتو شناخت معنای مجازی «پدر سوخته» بوده و توانسته است از تندی تعبیر فارسی بکاهد و در همان حال مفهوم را با توسع معنایی به مخاطب القا کند.

در نمونه دوم، تعبیر «سوزاندن طالع» به نوعی نفرین بر خویشان است که مترجم آن را به نوعی لعنت بر خویش فرض کرده و از عبارت رایج «لعنة» بهره برده است که البته نسبت به سوزاندن طالع ملایم‌تر و معمول‌تر است.

در نمونه سوم، تعبیر «رام کردن» که در لغت به نوعی از سرکشی در آوردن و اهلی کردن است با عبارت «از حرکت واداشتن = الإیقاف» معادل‌یابی شده است که البته در این معادل،

دیگر مفهوم منفی مورد اشاره به مخاطب القا نمی‌شود و می‌توان گفت مترجم در اینجا حسن تعبیر یا به‌گویی داشته است.

در نمونه چهارم، معادل‌های ارائه شده برای دش‌واژه‌های «عیاش» و «دمدمی مزاج» درجه نازیبایی خود را در زبان مقصد حفظ کرده است؛ با این حال، عبارت «گندش را در آورده» - که به معنای کار اشتباهی کردن و رسوایی به بار آوردن و باعث آبروریزی شدن است - با عبارت ملایم‌تر «قد أفسد کل شیء» جایگزین شده که عموماً در زبان عربی به معنای کار را خراب کردن است.

در نمونه پنجم، تعبیر «شر و ور بافتن» که در زبان فارسی به معنای سخنان بی‌هوده و بی‌معنی و حرف مفت بر زبان جاری کردن است؛ از جمله تعبیری است که در عرف عام، منفی‌واژه تلقی می‌شود و به کارگیری آن در متن با جانب ادب و نزاهت کلامی همخوانی ندارد. مترجم به منظور رعایت ادب و پرهیز از تکرار مفهوم ناشایست در زبان مقصد با به کارگیری استراتژی گسترش معنایی یا همان توسع معنایی، معادل «مسخرگی در آوردن و خوشمزگی کردن = التهریج» را برای آن قرار داده است و از رهگذر آن توانسته مفهوم منفی را با ملایمت به مخاطب عرب‌زبان انتقال دهد.

۳-۵. مجاز^۱

اگر یک واژه یا کلام در معنای غیرحقیقی خود به کار گرفته شود، مجاز است (الجرجانی، ۱۹۹۱) و این معنای ثانویه را زمانی مخاطب درمی‌یابد که «با یکی از علائق مشخص از حاضری به غایبی برسد» (شمیسا، ۱۳۸۹). این شگرد می‌تواند در برخورد با دش‌واژه‌ها پرکاربرد باشد؛ چراکه در خصوص واژگان و جملاتی استفاده می‌شود که در معنای اصلی به کار نرفته‌اند و القاگر معنای دیگری هستند که البته باید با وجود قرینه‌ای دلالت ثانوی دریافته شود. همچنین باید بین معنای حقیقی (اولیه) و معنای مجازی (ثانویه) رابطه‌ای برقرار شود که به اصطلاح به آن «غیر ما وضع له» می‌گویند. در دویله سریال مختارنامه، شاهد بهره‌گیری ۱۸ مرتبه‌ای این استراتژی توسط مترجم هستیم. در جدول (۳)، نمونه‌هایی از کاربست این استراتژی در دویله عربی سریال مختارنامه ارائه شده است.

1- Trope

جدول ۳. کاربرد استراتژی مجاز در ترجمه فیلم مختارنامه به عربی

| ارجاع | ترجمه | جمله فارسی |
|----------|------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| قسمت اول | هذا الشره المهووس يشتهي شواء لحم الخنزير. | کارد به شکم خورده هوس کباب گراز کرده |
| قسمت دوم | عندما علقوني من ريش لي. | چشمتمان روز بد نبیند، مرا از پاچه آویزانم کردند. |
| قسمت سوم | ذقتها يا ابله؟! أهذه هي العدالة التي تريد أن تقتل نفسك من أجلها؟ | خوردی کچل؟ این بود عدالتی که خودت را برایش تکه تکه پاره می کردی؟! ذقتها یا ابله؟! أهذه هي العدالة التي تريد أن تقتل نفسك من أجلها؟ |
| قسمت ششم | آكلة الأكياد يا مختار . | همان معروفه عرب است. |
| قسمت نهم | لو لم يكن قلبي حجراً لمتُّ | پوستم کلفت بوده که نمردم. |

در نمونه نخست، عبارت «کارد به شکم خوردن» تعبیری نسبتاً ناخوشایند و توهین آمیز است و مترجم با توجه به مفهوم مجازی آن با تک واژه «الشره» معادلی دقیق برای آن جایگزین کرده است که البته نمی توان گفت بار منفی واژه جایگزین شده کمتر از عبارت به کار گرفته شده در زبان مبدأ است، چرا که معادل عربی نیز معنای شکم بارگی، شکم پرستی، حرص و ولع داشتن برای خوردن را تداعی می کند.

در نمونه دوم، عبارت «از پاچه آویزان شدن» اصطلاحی محاوره ای و غیر مؤدبانه است که معنای کنایی آن، «حساب کسی را رسیدن» و به نوعی تنبیه کردن است. مترجم با توجه به مفهوم کنایی و مجازی تعبیر مورد بحث از عبارت «علق» استفاده کرده که تداعی گر آویزان شدن است.

در نمونه سوم، مترجم واژه توهین آمیز «کچل» را که با حس بینایی قابل درک است با صفت «ابله» جایگزین کرده که از دو منظر قابل نقد است؛ نخست اینکه آن نقص را از حوزه عینی به حوزه عقلی انتقال داده و از شدت ناخوشایندی تعبیر و بی پردگی آن کاسته است و از رهگذر آن به حسن تعبیر و به گویی رسیده است. دوم اینکه کچل بودن لزوماً به معنای ابله بودن نیست و این دو صفت نسبت به یکدیگر رابطه لازم و ملزومی ندارند؛ بنابراین، چنین برمی آید که مترجم با در نظر گرفتن بافت و سیاق کلام، معنای مجازی آن را در نظر گرفته است.

در نمونه چهارم، مراد از «معروفه» زن خودفروش و زناکار است که میزان ناخوشایندی و بی پردگی و ناپسندی در آن بسیار بالاست که البته در فرهنگ عربی، این اصلاح با مضمون یادشده کاربرد ندارد. مترجم کوشیده بیان مؤدبانه ای در فرآیند برگردان داشته باشد و به

همین دلیل معادل «جگرخوار = آكلة الأکباد» را جایگزین آن کرده است. البته باید گفت آلوده دامن بودن با جگرخوار بودن که نماد سنگدلی و قساوت قلب است از لحاظ معنایی با هم متفاوت هستند.

در نمونه پنجم، «پوست کلفت بودن» از لحاظ لغوی به معنای پوست ستبر داشتن است، اما مجازاً به معنای گران جان و سخت جان بودن است و برای کسی به کار می‌رود که تحملش در سختی‌ها زیاد باشد. مترجم با شناخت مفهوم مجازی این دش‌واژه، عبارت «سنگدلی = لو لم یکن قلبی حجراً» را جایگزین کرده است که در قلب و جان با هم اشتراک دارند، اما معادلی چندان دقیق برای عبارت فارسی نیست. به هر روی، مترجم کوشیده در فرآیند برگردان به کلام خود تهذیب بخشد و از بار منفی و ناشایست عبارت بکاهد.

۵-۴. حذف^۱

یکی از روش‌هایی که ممکن است مترجم در برابر دش‌واژه‌ها به کار برد، روش حذف است که معمولاً این روش به منظور گزیده‌گویی، جلوگیری از تکرار، رعایت ادب و گاه نداشتن معادل در زبان مقصد است. ممکن است مترجم برای ایجاد ارتباط فرهنگی میان دو زبان، دست به حذف بزند که گاه به این دلیل که با شیوه‌های دیگر مفهوم را انتقال می‌دهد و گاه ممکن است از روی حس تشخیص خود از این روش استفاده کند. به هر روی، این روش مخاطب را از درک پیام دور می‌کند (ابویر، ۱۳۷۰).

معمولاً روش حذف زمانی مورد قبول است که مترجم آن را برای مخاطب خود ملال‌آور یا واضح بداند (زرکوب، ۱۳۹۲). بررسی‌ها نشان می‌دهد مترجم در فرآیند برگردان، ۱۲ مرتبه از این استراتژی بهره برده است که چند نمونه آن در جدول (۴) ارائه شده است. در نمونه‌های ذکر شده تعابیر «گور به گور شده، بی‌بخار، خاله خرسه، خیکی، خیره سر» همگی بار توهین دارند و در شمار واژگان ناشایست و زننده به حساب می‌آیند که مترجم در برگردان متن با بهره‌گیری از استراتژی حذف از ذکر معادل عربی برای آن‌ها سرباز زده است تا از رهگذر کاربست آن ترفند، مراعات ادب و نزاکت کند و به حسن تعبیر برسد.

1- Elision

جدول ۴. کاربرد استراتژی حذف در ترجمه فیلم مختارنامه به عربی

| ارجاع | ترجمه | جمله فارسی |
|-------------|--------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------|
| قسمت دوم | آخ، تبأ لك يا نارية لهذا الأب، إن غضب النبي عليه يتابعنا! | آخ تف به قبر میت ناریه، کاش پدر گور به گور شده من مغضوب پیامبر نبود. |
| قسمت ششم | فشعة من هؤلاء أبناء الصحراء تُعادل الآلاف من هؤلاء الكوفيين | یک موی این ایلیاتی‌ها می‌ارزد به کرور کرور جماعت بی‌بخار کوفی. |
| قسمت سوم | يجب اتخاذ الحيطة من الأصدقاء. | باید مراقب دوستی خاله‌ها باشیم. |
| قسمت سیزدهم | ياالجهل هذا الخليفة الحجازي! | عجب خری است این خلیفه خیکی حجازی! |
| قسمت چهارم | المسكينة ابنتي عمرة، كيف يمكنها أن تتحمل العيش مع هذا الرجل؟ | بیچاره دخترم عمره، چطور با این خیره سر دیوانه سر کرده. |

نکته قابل توجه در اینجا آن است که در فرآیند برگردان متن، جانب ادب رعایت شد، اما استفاده از استراتژی مورد بحث موجب نقص در معنا شده است؛ به عنوان مثال، در معادل نمونه دوم، مشخص نیست که چرا کوفیان در نظر متکلم بی‌ارزشند، حال آنکه در عبارت فارسی این موضوع به خاطر بی‌بخاری آن‌ها بوده است. یا در معادل عربی نمونه سوم، مشخص نیست که چرا باید از «الأصدقاء» پرهیز کرد؛ حال آنکه در زبان مبدأ مشخص است که آنان دوستی خاله خرسه دارند.

در دو نمونه آخر نیز همین نقص به چشم می‌آید؛ در زبان مبدأ، خیکی بودن خلیفه مدنظر متکلم بوده که البته اثری از آن در در زبان مقصد نیست و این ویژگی برای مخاطب عرب‌زبان تداعی نمی‌شود و مسأله آنجا اهمیت پیدا می‌کند که مخاطب هم-زمان با گفتار، تصویر وی را نیز به چشم می‌بیند. در معادل نمونه آخر، مشخص نیست که چرا زندگی با آن مرد برای «عمره» سخت است؛ در حالی که در زبان مبدأ این علت بیان شده است.

۵-۵. کم‌گفت^۱

یکی دیگر از روش‌های حسن تعبیر در برابر تابوها، بهره‌گیری از تکنیک کم‌گفت در فرآیند ترجمه است؛ یعنی «مطلبی از حد خود ضعیف‌تر و ملایم‌تر بیان شود» (شمیسا، ۱۳۸۹). به

1- Understatement

بیان ساده‌تر، می‌توان در فرآیند برگردان برخی از کلمات یا جملات و حتی عباراتی که بار منفی دارند، ملایم‌تر عمل کرد تا از تندی و تیزی تعبیر کاسته شود و در نهایت با سلیقه مخاطب همسویی داشته باشد. در جدول (۵) نمونه‌هایی از کاربرد این استراتژی در دوبله عربی سریال مختارنامه مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۵. کاربرد استراتژی کم‌گفت در ترجمه فیلم مختارنامه به عربی

| ارجاع | ترجمه | جمله فارسی |
|--------------|-------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------|
| قسمت دوم | هل أنا خائن أم انتم الذين تخفون الحقائق. | من مردم فروشم یا شما که <u>یک روده راست</u> در شکمتان نیست؟! |
| قسمت چهارم | و أنت من الضالين يا عمر، يا لك من رجل مخادع. | و لالضالين و درد پدرم! و لالضالين و <u>خُنَاق!</u> |
| قسمت هفتم | صلاتك هذه لن تقبل يا أكل حقوق الناس. | نماز به کمرت بزند، حق مردم را پایمال نکن. |
| قسمت دهم | يا لك من وقع، إذهب من هنا قبل أن أُغَيَّر رأيي. | چه رویی، برو تا اون روی <u>سگم</u> بالا نیامده. |
| قسمت دوازدهم | وهل أنا مجنون لأعلن الحرب على الكعبة؟!. | من به گور پدرم می‌خندم با کعبه دریغتم. |

در نمونه نخست، مراد از «یک روده راست در شکم نداشتن» این است که فرد کاملاً دروغ‌گوست؛ این تعبیر تا حد زیادی محاوره‌ای و در شمار واژگان ناخوشایند و توهین‌آمیز است که البته مترجم با بهره‌گیری از تکنیک کم‌گفت برایش معادل «پوشاندن حقائق = اخفاء الحقائق» را به کار بسته و با کاستن از تندی و تیزی سخن، آن را غیرمحاوره‌ای ارائه داده است. در نمونه دوم، مترجم توجهی به بافت و ساختار نفرینی کلام نداشته است؛ زیرا روی سخن متکلم با کسی است که مشغول نماز خواندن بوده و در پایان سوره حمد، عبارت «الظالین» بر زبان آورد؛ بنابراین، براساس همان برداشت آورده است: «أنت من الظالین...». صرف‌نظر از بی‌توجهی مترجم به ساختار کلام، دو عبارت «درد پدرم» و «خُنَاق» توهین‌آمیز و ناخوشایند هستند که متکلم از خدا می‌خواهد آن دو را نصیب عمر گرداند. مترجم با استفاده از شگرد کم‌گفت، عمر را از گمراهان دانست و از فریبکاری وی اظهار شگفتی کرد.

در نمونه سوم، عبارت «نماز کمرت را بزند» از جمله عبارت‌های غیر مؤدبانه و محاوره‌ای است که مترجم با تغییر ساختار و شیوه بیانی، آن را به جمله خبریه تبدیل کرده است و عبارت مورد نظر را با دخالت‌دهی شگرد کم گفت به «نماز هرگز قبول نیست» برگردان کرده و از رهگذر آن، نزاهت گفتاری متن را تقویت کرده است.

در نمونه چهارم، عبارت «آن روی سگم را بالا نیار» نیز عبارت محاوره‌ای و نسبتاً تند و بی‌ادبانه است که به وقت عصبانیت شدید بر زبان جاری می‌شود و به این معناست که عصبانی‌ام نکن! مترجم با استفاده از همان شگرد و با تغییر لحن کلام برای آن عبارت، معادل «قبل از اینکه نظرم را تغییر دهم» جایگزین کرده است.

در عبارت پایانی نیز مترجم با استفاده از شگرد کم گفت از تعبیر ناخوشایند «به گور پدر خندیدن» گذشته است و معادل «مگر من دیوانه‌ام که...» را جایگزین کرده است.

شیوه کم گفت در ۲۹ مورد از ترجمه تابوهای سریال به کار گرفته شده است و به نوعی پرکاربردترین شیوه مورد استفاده مترجم بوده است که به وسیله آن علاوه بر کاهش بار منفی عبارات به روانی کلام و زیباسازی آن کمک کرده است؛ با این حال در مواردی موجب شده تا مخاطب از معنای اصلی کلام بدور افتد و در بسیاری از موارد مقتضای حال رعایت نشده است.

نکته دیگر اینکه استفاده از این راهکار موجب شده است که گاه جنبه دیداری اثر با جنبه شنیداری مطابقت نداشته باشد، چرا که این دش‌واژه‌ها عموماً در مواقع خشم و عصبانیت بیان شده که حرکات و اشارات دیداری با الفاظ بیان شده در زبان مقصد همخوانی ندارد و به نوعی ناهمسویی بین حرکات دست و صورت و گفتار پیش می‌آید.

۵-۶. مضاعف‌سازی^۱

مضاعف‌سازی، بسط یا اطناب به دو صورت اطناب ابهام یا اطناب واضح می‌آید. اطناب ابهام؛ یعنی کلمه‌ای مبهم را بیان می‌کنند و بعد به توضیح آن می‌پردازند و اطناب ایضاح عکس آن است (تفتازانی، ۱۳۷۰). این بسط در صورتی مورد پذیرش است که مخاطب از آن موضوع خالی‌الذهن باشد و مترجم به ناچار به تفصیل آن می‌پردازد تا در ذهن شنونده جاگیر شود، اما اگر بیش از حد صورت گیرد، ملال‌آور خواهد بود و از عیوب ترجمه به‌شمار

1- Reduplication

می‌رود (شمیسا، ۱۳۸۹). این در حالی است که اگر سیاق سخن دارای عبارات ناپسند و زننده باشد، مترجم بر اساس تشخیص خود برای اینکه آن کلمه یا عبارات را دلیزیر و خوشایند کند با به‌کارگیری کلمات اضافه در متن خود و گاه تکرار آن به این مهم دست می‌یازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مترجم در فرآیند ترجمه، ۱۳ مرتبه از شیوه مضاعف‌سازی بهره برده است که در جدول (۶) به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

جدول ۶. کاربرد استراتژی مضاعف‌سازی در ترجمه فیلم مختارنامه به عربی

| ارجاع | ترجمه | جمله فارسی |
|---------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------|
| قسمت دوم | ولكن إن رأيتم ثانيةً لن أرحمكم و سأؤكل أمهاتكم | یک بار دیگر بینماتان مادران را به عزایتان می‌نشانم. |
| قسمت چهارم | أعرف من هو صاحب العين المألحة و النفس اللثيمة، فتخافين علينا من عمر بن سعد هو نحس و شئوم بعينهما. | می‌دانم از ترس کدام شوم نفسِ سگ چشم به فکر من و ذل ذل افتاده‌ای. |
| قسمت هجدهم | و أنا نادم، ندمت ندامةً لو أن نفسي / تطاوعني إذا لقطعت خمسي ولعل شيطان قد استغل ضعفي. | ملامتم نکن که مثل سگ پشیمانم، شیطان در جلدم فرو رفت. |
| قسمت سی و دوم | هو شخص طمّاع لثيم، شرور إنتهازی، <u>جبان رواج، خوان أيضاً.</u> | او از آن ابن‌الوقت‌هایی است که سر بزن‌گاه بلانسبت پیشابشان می‌گیرد... |
| قسمت دوم | أبها العاجز، أخبرني هل جنت تشفی ما توغل فی صدرک من أمراض ماضية وقاتلة. | دق دلی کدام مرضت را می‌خواهی سر ما خالی کنی؟ شیخ ابومرض! |

مترجم در نمونه نخست برای آنکه لحن خشم و عصبانیت را بیشتر القاء کند با بهره‌گیری از استراتژی مضاعف‌سازی عبارت «لن أرحمکم» را به متن افزوده است. در نمونه دوم، علاوه بر کاهش بار منفی متن برای واضح شدن مراد سخن به بسط و تفصیل کلام پرداخته است. در نمونه سوم، برای آنکه مترجم بتواند لحن کلام «مثل سگ پشیمانم» را به تصویر بکشد از شعری مشهور درباره شخصی به نام ندامة الکسعی - که پشیمانی او برای کسانی که به دست خود کار نادرستی را مرتکب می‌شوند ضرب‌المثل شد - (الزرکلی، ۲۰۰۲) استفاده کرده است؛ بهره‌گیری از این بینامتنی ضمن اینکه سبب شد از کاربرد عبارت زننده و ناپسند پرهیز شود، موجب زیبایی کلام و تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب عرب زبان شده است.

در نمونه چهارم مترجم به جای تعبیر ناخوشایند «سر بزنگاه پیشابش می گیرد» با قرار دادن صفاتی پی در پی سعی در انتقال مفهوم داشته است، گرچه می توانست با استفاده از تعبیر و اصطلاحات منطبق از زبان مقصد ترجمه‌ای متناسب‌تر با گفتار فارسی بیان کند.

در نمونه پنجم، تعبیر «دق دل خالی کردن» به معنای خشم و کینه است که مترجم سعی کرده با اطناب، مفهوم موردنظر زبان مبدأ را به مخاطب عرب زبان انتقال دهد. البته امکان ساده‌تر مفهوم متن با رعایت جانب ادب نیز وجود داشته است. به عنوان مثال، می توانست گفته شود: «یا أبا المرض! ترید أن تصبّ علینا نعمة أی مرضک».

۵-۷. تضاد یا تناقض^۱

کاربست روش تضاد یا تناقض از جمله راهکارهای مترجمان در برخورد با دش‌واژه‌هایی است که بار معنایی منفی و نامطلوب دارند. توضیح اینکه کلمات مخالف نوعی متضاد هستند. تمامی زبان‌ها کلمات مخالف دارند که در برخی از زبان‌ها برای مفاهیم مثبت، لغت دارند، اما منفی آن را با اضافه کردن کلمه نفی می‌سازند؛ مثلاً در زبان انگلیسی با اضافه کردن not به free مقصود خود را می‌رسانند (کبیری، ۱۳۷۹). تضاد به این معنی است که «واژه‌ای درست در معنای ضد آن به کار برند و مثلاً به جای کلمه افتضاح بگویند: عالی!» (شمیسا، ۱۳۸۹)؛ این گونه گذشتگان تضاد را استعاره تهکمی یا همان استعاره ریشخند نامیده‌اند؛ زیرا برای استهزا و سخریه به کار می‌رود (همان).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که استراتژی تضاد یا تناقض، ۴ مرتبه برای ترجمه تابوها به کار گرفته شده که به نوعی کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است. در نگاه کلی، مترجم کوشیده با بهره‌گیری از این شگرد، معادل دش‌واژه‌ها را ملایم‌تر و پذیرفتنی‌تر انتقال دهد. در جدول (۷) نمونه‌هایی از کاربرد استراتژی تضاد یا تناقض ارائه شده است.

در نمونه نخست، تضاد شکل گرفته در زبان مقصد، نسبت به جمله فارسی علاوه بر کاهش بار معنایی ناخوشایند سخن با صنعت تضاد توانسته حالت استهزا به متن بیفزاید؛ چراکه تعبیر محاوره‌ای «به قیمت خون پدر»؛ یعنی بسیار با قیمت بالا و گران در حالی که در معادل ارائه شده آمده است «به مبلغ ناچیز = بضمن رخیص».

1- Contradiction

جدول ۷. کاربرد استراتژی مضاعف‌سازی در ترجمه فیلم مختارنامه به عربی

| ارجاع | ترجمه | جمله فارسی |
|-----------|----------------------------------------------|-----------------------------------------------------------|
| قسمت هفتم | ما ثمن المن الواحد؟ بئس رخيص جداً | منی چند؟ به قیمت خون پدرشان. |
| قسمت هشتم | سوف أذهب إلى أي مكان خير من هذه المدينة. | جایی می‌روم مثل این کن فیکون شده نباشد. |
| قسمت دوم | لا تتفوهي بكلمات اكبر من قدرک | گنده تر از دهانت حرف می‌زنی. |
| قسمت دوم | جننت یا مختار؟ فعالج الموضوع بالعقل والتروية | خر نشو مختار، ما می‌توانیم موضوع را مرد و مردانه حل کنیم. |

در نمونه دوم، مترجم مفهوم خراب‌آباد و ویران‌شهر نهفته در تعبیر «کن فیکون شده» را از وضعیت منفی و بدبینانه به وضعیت مثبت و خوشبینانه «خیر من هذه المدينة» تبدیل کرده و از رهگذر کاربرد استراتژی تضادسازی، هم بار منفی کلام را کاهش داده و هم درخصوص انتقال معنا اقدام کرده است. با این حال باید پذیرفت که کاهش معنایی اعمال شده در زبان مقصد، موجب کاهش القای کراهت مورد نظر متن مبدأ شده است.

در نمونه سوم، کل جمله بار توهین دارد که مترجم ساختار مثبت کلام را تبدیل به ساختار منفی کرده است؛ با این حال نمی‌توان گفت بار توهین معادل ارائه شده کمتر از بار منفی موجود در زبان مبدأ است. به نظر می‌آید اگر مترجم به جای معادل ارائه شده از تعبیر «تجاوز عن حدك في كلامك» استفاده می‌کرد، هم ساختار اولیه جمله حفظ می‌شد و هم بار منفی موجود در متن کاهش می‌یافت. در نمونه چهارم نیز انشاء نهی محور با رعایت جانب ادب به انشاء استفهام محور تبدیل شده است.

۵-۸. ترجمه تحت اللفظی^۱

ترجمه تحت اللفظی؛ یعنی ترجمه واژه یا عبارت زبان مبدأ به واژه یا عبارت زبان مقصد (یعنی ترجمه جزء به جزء یک ترکیب یا تعبیر فرهنگی) با رعایت قواعد نحوی زبان مقصد (ایویر، ۱۳۷۰). این شیوه از لحاظ متمایل بودن به زبان مبدأ، پرچم امانتداری را برافراشته است. ترجمه تحت اللفظی «ترجمه‌ای است که معنای دقیق متن مبدأ را با نزدیک‌ترین ساخت‌های دستوری و معنایی زبان مقصد منتقل می‌کند» (ناظمیان، ۱۳۹۷).

1- Literal Translation

روش ترجمه تحت اللفظی در ۲۷ مورد از دش واژه‌های سریال مورد مطالعه به کار گرفته شده که جایگاه دوم را در میان استراتژی‌های مورد مطالعه دارد و از پربسامدترین راهکارها بوده است. در جدول (۸)، نمونه‌هایی از کاربرد استراتژی ترجمه تحت اللفظی بررسی شده است.

جدول ۸. کاربرد استراتژی ترجمه تحت اللفظی در ترجمه فیلم مختارنامه به عربی

| ارجاع | ترجمه | جمله فارسی |
|-----------------|--------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------|
| قسمت هفتم | یا قاطع الطريق، أنت وأجدادك تارك الصلاة یا کافر یا زندیق. | تارک صلات خودتی و هفت پشتت نامسلمان دزد گردن کلفت. |
| قسمت نهم | یا بن حریت أريد هذا الكلب العجوز حيا. | بن حریت! این پیر سگ را زنده می‌خواهم. |
| قسمت دهم | كل هذا الدخانيات يسطع من قبرك يا نكير المعروف. | همه این دودها از گور تو برمی‌خیزد. نمک به حرام! |
| قسمت دوازدهم | والله كلبه أشرف من يزيد ومن أمثاله. | بخدا قسم سگش، می‌ارزد به صدتا یزید و امثال آن. |
| قسمت دوم | فلتخسأ بنات العرب، سأقتلع عيونهن من أحداقها. | غلط می‌کنند! چشمان تک تکشان را از کاسه درمی‌آوردم. |

همانطور که در نمونه‌های جدول (۸) شاهد هستیم برای عبارات دشنام گونه یا به دور از ادب با نزدیک‌ترین واژه یا عبارتی از زبان مقصد معادل‌یابی شده است که برخی را می‌توان پذیرفت و برخی را از جنبه راهبردهای ترجمه‌ای قابل پذیرش نیست. به عنوان مثال، در نمونه نخست مترجم کوشیده برای هر واژه معادلی ذکر کند با این همه جابه‌جایی بی‌مورد داشته و برای یکی از صفت‌های بیان شده معادل‌یابی نکرده است. مترجم می‌توانست با همان رویکرد تحت‌اللفظی و بدون جابه‌جایی و حذف این‌گونه معادل‌یابی کند: «أنت تارك الصلاة وأجدادك السالفين أيها الكافر السارق المتعنت».

بحث و نتیجه‌گیری

از بررسی به عمل آمده درخصوص عملکرد مترجم یا گروه مترجمان در برگردان تابوهای به کار رفته در سریال مختارنامه می‌توان به این نتیجه رسید که ۱- آنان به تابوهای موجود در زبان فارسی شناخت کامل داشته‌اند. ۲- کوشیده‌اند با کاربرد شگردهای متعدد - که ذکر آن در این پژوهش گذشت - از کاربرد دش‌واژه‌ها و واژگان ناخوشایند و زننده در متن

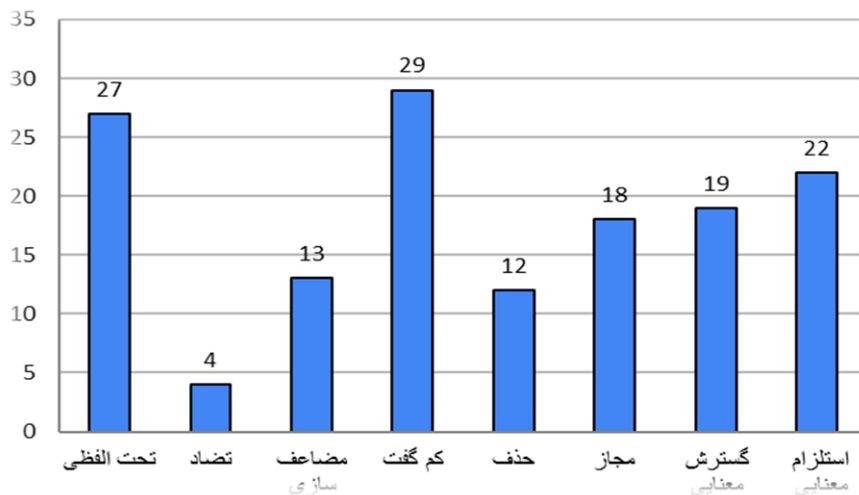
مقصد پرهیزند و به نوعی با حسن تعبیر در فرآیند برگردان، مؤدبانه، ملایم، غیرمحاوره‌ای و با نزاهت، مفاهیم موردنظر را به مخاطب عرب زبان ارائه دهند. بنابراین، باید پذیرفت حسن تعبیر به عنوان یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین ابزار گفتمانی برای تقویت و دوچندان کردن نزاکت و ادب اجتماعی، مورد توجه مترجم بوده است.

نتیجه تحقیق القاگر این نکته مهم است که رویکرد کلی مترجم (یا گروه مترجمان) رعایت جانب ادب و عدم ترویج واژگان و تعبیر ناشایست و رکیک بوده است؛ با این حال نمی‌توان ادعا کرد که دوبله عربی سریال مختارنامه خالی از پرهیزه یا دش‌واژه است؛ زیرا همچنان ردپای تابوها در زبان مقصد دیده می‌شود. در عین پذیرش مسأله قبلی باید پذیرفت که واژه یا تعبیری در زبان مقصد دیده نشده است که از لحاظ بار مفهومی، تندتر و زننده‌تر از معادل فارسی آن باشد.

با وجود ارزش فراوان دوبله ارائه شده، این اثر از منظر نحوه تعامل با تابوها دارای چند عیب است؛ توجه مترجم به مسأله ادب و نزاکت در بعضی از موارد موجب لطمه دیدن متن شده است و انتقال مفهوم از زبان مبدأ به زبان مقصد به درستی صورت نپذیرفته است؛ به‌ویژه آنچه در بخش استراتژی حذف اتفاق افتاده است. آنچه عیب یادشده را چشمگیرتر می‌کند شاید در این مسأله باشد که عموماً تابوها با حالت عصبانیت و خشمگینی بر زبان جاری می‌شوند و اینکه مترجم دست به حذف آن‌ها می‌زند، نوعی ناهماهنگی و ناهمسویی بین حرکات دست و صورت و کلام گفتاری پیش می‌آید. عیب دیگر در موقعیت‌هایی رخ داده است که مفهوم تابو در زبان فارسی با معادل ارائه شده آن در زبان عربی همخوانی ندارند؛ معادل‌های ارائه شده درخصوص «معروفه» و «حرام لقمه بودن» از این نمونه هستند.

در پایان ضمن ارائه نمودار تعداد مرتبه هشت استراتژی مورد بحث (نمودار (۱)) باید گفت که شگرد کم‌گفت با ۲۹ مرتبه و شگرد تضاد با ۴ مرتبه کاربرد به ترتیب بیشترین و کمترین کارکرد را در فرآیند برگردان تابوها از زبان مبدأ به زبان مقصد داشته‌اند.

نمودار ۱. تعداد کاربرد هشت استراتژی به کار گرفته شده در دوبله عربی سریال مختارنامه



تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohadeseh Haddadi



<http://orcid.org/0000-0001-9447-4315>

Ali Najafi Ivaki



<http://orcid.org/0000-0002-6212-1823>

Mohsen Seifi



<http://orcid.org/0000-0002-2600-5091>

منابع

- أبوزلل، محمد إبراهيم. (۲۰۰۱م). *التعبير عن المحظور اللغوي و المحسن اللفظي في القرآن الكريم*. قاهرة: أطروحة الدكتوراه جامعة القاهرة.
- ایویر، ولادیمیر. (۱۳۷۰). روش های ترجمه عناصر متفاوت فرهنگی. ترجمه سید محمدرضا هاشمی. مترجم، ۱ (۲)، ۳-۱۴.
- بهرامی، فاطمه و شیخانیان پور، بهناز. (۱۳۹۸). گسترش معنایی فعل «زدن» محصول مجاز یا استعاره؟ تحلیلی در چارچوب الگوی چندمعنایی چهار مقوله‌ای. پژوهش‌های زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، ۱۱ (۲)، ۱۸۷-۲۱۴.
- التفتازانی، سعدالدین. (۱۳۷۰). *مختصر المعانی*. قم: ناشر: دار الفکر.

- الجرجانی، عبدالقاهر. (۱۹۹۱م). *أسرار البلاغة*. تعليق أبو فهد محمود محمد شاكر. القاهرة: مطبعة المدني.
- جمشیدی نژاد، حبیب‌اله. (۱۳۹۸). بررسی ترکیب بدیعی حسن تعبیر، آموزشی-تحلیلی. رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ۲ (۳۳).
- الزرکلی، خیرالدین. (۲۰۰۲م). *قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین*. بیروت: لبنان: دار العلم للملایین.
- کبیری، قاسم. (۱۳۷۹). *اصول و روش ترجمه*. تهران: انتشارات رهنما.
- موسوی، سجاد و ابراهیم بدخشان. (۱۳۹۱). حسن تعبیر ناپسند. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۲ (۲)، ۱۷۱-۱۸۷.
- ناظمیان، رضا. (۱۳۹۷). روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی. تهران: انتشارات سمت.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عامیانه*. ج ۱ و ۲. تهران: انتشارات نیلوفر.
- نقی زاده، محمود، توانگر، منوچهر و عموزاده، محمد. (۱۳۹۰). بررسی فرآیند ساختاری شدن مفهوم فضا در زبان فارسی در چارچوب زبان‌شناسی شناختی. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۳ (۱)، ۲۸-۱.
- نوروزی، علی و عباس‌زاده، حمید. (۱۳۸۹). حسن تعبیر در زبان و ادبیات عربی: شیوه‌ها و انگیزه‌ها. *زبان و ادبیات عربی*، ۲ (۳)، ۱۴۹-۱۷۴.

References

- Abu Zalal, M. I. (2001). *Interpretation of the Lexical and the Iliteral in the Holy Qur'an*. Presented by the Doctor of the Cairo University.
- Al-Jarjani, A. Q. (1991). *Secrets of Rhetoric*. Commentary by Abu Fahd Mahmoud Muhammad Shakir. Cairo: Civil Press.
- Al-Taftazani, S. (1370). *Summary of Meanings*. Qom: Dar al-Fikr. [In Persian]
- Al-Zarqali, K. (2002). *Dictionary Translation of the City of Men and Women from the Arabs, The Arabs and the Orientalists*. Beirut. Lebanon: Dar Al-Alam for the Muslims.
- Bahrami, F., Sheikhanianpour, B. (1398). The Semantic Expansion of the Verb to hit a Permissible Product or a Metaphor? An Analysis in the Framework of a Four-Category Polysyllabic Model. *Journal of Linguistic Research, University of Isfahan*. 11 (2). 187-214. [In Persian]
- Ivor, V. (1370). Methods of Translating Different Cultural Elements, Translated by Seyyed Mohammad Reza Hashemi. *Translator Quarterly*. 1 (2). 3-14. [In Persian]
- Jamshidi Nejad, H. (1398). A Study of the Innovative Composition of Hassan Ta'bir, Educational-Analytical. *Journal of the Development of Persian Language and Literature Education*. 2 (33). [In Persian]

- Kabiri, G. (2000). *Principles and Method of Translation*. Tehran: Rahnama Publications. [In Persian]
- Mousavi, S., Badakhshan, E. (2012). Hassan Taabir Aspasand. *Linguistic Research in Foreign Languages*. 2 (2). 171-187. [In Persian]
- Naghizadeh, M., Tavangar, M., Amouzadeh, M. (2011). A Study of the Structuring Process of the Spatial Concept of Persian Language in the Framework of Cognitive. *Linguistics, Journal of Khorasan Linguistics and Dialects*. 3(1). 1-28. [In Persian]
- Najafi, A. (1999). Folk Persian Culture (1 and 2). Tehran: Niloufar Publications. [In Persian]
- Nazemian, R. (2016). *Methods in Translation from Arabic to Persian*. Tehran: Samat Publications. [In Persian]
- Nowruzi, A., Abbaszadeh, H. (2010). Hassan Ta'bir in Arabic Language and Literature: Methods and Motivations. *Journal of Arabic Language and Literature*. 2(3). 149-174. [In Persian]

استناد به این مقاله: حدادی، محدثه، نجفی ایوکی، علی، سیفی، محسن. (۱۴۰۰). بررسی استراتژی‌های به کار گرفته شده در دوبله عربی تابوهای سریال مختارنامه. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۱ (۲۴)، ۲۱۷-۲۴۱. doi: 10.22054/rctall.2021.61862.1571



Translation Researches in the Arabic Language & Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

